

تحکیم روابط همسران از منظر آیات و روایات

دکتر مرضیه قنبری*

اشاره

خانواده به عنوان اساسی‌ترین رکن جامعه، نقش مؤثری در ایجاد سعادت یا شقاوت نسل آینده دارد. این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش است که از منظر آیات و روایات، چه عواملی در تحکیم روابط زوجین نقش دارند؟ به نظر می‌رسد اموری همچون تقویت ایمان و مبانی دینی، افزایش محبت و عشق در کانون خانواده، مسئولیت‌شناسی و ... از عواملی است که می‌تواند به استحکام روابط همسران بینجامد.

اهمیت خانواده

خانواده، محبوب‌ترین نهاد بشری نزد خداوند متعال است که در اسلام هدف از تشکیل آن، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی انسان همچون دستیابی به آرامش معرفی شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در آموزه‌های اسلامی، خانواده به عنوان کانون تربیت معرفی شده است که صلاح و فساد آن، موجب سعادت و یا شقاوت جامعه خواهد شد. از این‌رو در بیان ارزش و اهمیت تشکیل خانواده به مسائلی همچون تأمین آرامش، سکون، سلامت روانی، عشق و محبت، الفت میان زوجین، و والدین و فرزندان اشاره شده است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۲ و کسانی

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

۱. روم: ۲۱.

۲. فرقان: ۷۴.

که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.»

اهمیت خانواده را از این سخن ارزشمند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌توان دریافت که مردی نزد پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: «زنی دارم که هر گاه وارد [خانه] می‌شوم، به استقبال می‌آید و هر گاه [از خانه] خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند و هر گاه مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چرا اندوهگینی؟ اگر غم روزی‌ات را می‌خوری، غیر تو (خداوند) آن را برایت ضمانت کرده است و اگر غم آخرت را داری، پس خداوند بر اندوهت بیفزاید». پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ، لَهَا نِصْفُ أَجْرِ شَهِيدٍ؛^۱ خداوند کارگرانی دارد و این زن، یکی از کارگران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است».

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛^۲ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است؛ او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». بنا بر این آیه، هر زن و مرد با ایمانی که عمل صالح انجام دهند، از حیات طیبه بهره‌مند می‌شوند و از وسوسه‌ها نجات می‌یابند و خداوند نتیجه کار آنان را با بهترین عملی که انجام داده‌اند، به آن‌ها می‌دهد.^۳ با توجه به برکات حیات طیبه در انسان، خداوند برای هر یک از زوجین راه دستیابی به آن را ایمان و عمل صالح معرفی کرده است که این مهم، نیازمند پایداری در مسیر دینداری است.^۴ درحقیقت این آیه راه زندگی توأم با سعادت را به هر یک از زن و مرد نشان می‌دهد.

بر پایه زندگی مشترک و تشکیل خانواده است که بسیاری از برکات الهی بر انسان نازل می‌شود و موجبات رسیدن به حیات طیبه فراهم می‌گردد؛ چنانکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَىٰ امْرَأَتِهِ وَ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَىٰ إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ».^۵ بر اساس این روایت، هنگامی که مرد به زن خود و زن به همسرش از روی مهر و محبت بنگرد، خداوند متعال نیز به دیده رحمت بر آن‌ها می‌نگرد.

۱. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲. نحل: ۹۷.

۳. اصغر طاهرزاده، زن آن‌گونه که باید باشد، ص ۱۳۱.

۴. همان، ص ۱۳۴.

۵. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۷۸.

لوازم تحکیم روابط زن و مرد

برای اینکه زندگی زناشویی توأم با موفقیت و استحکام باشد، باید عواملی را در نظر گرفت و آن‌ها را در زندگی تقویت کرد. در اینجا به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

۱. تقویت ایمان و مبانی دینی

انسان همواره در طول زندگی با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری مواجه است که برای فائق آمدن بر آن‌ها تلاش می‌کند. روانشناسان ایمان را سرچشمه‌ای بیکران از آرامش و قدرت معنوی می‌دانند که هر نوع اضطراب و نگرانی را از انسان می‌زداید و در برابر فشار درونی و بیرونی به انسان مصونیت می‌بخشد.^۱ از آنجا که انسان، طالب کمال بی‌نهایت است و هیچ چیزی انسان را قانع نمی‌کند، انسان هر اندازه به امکانات و ثروت محدود دنیا دست یابد، عطش کمال‌جویی در او فرو نمی‌نشیند؛ حال آنکه نقطه‌نهایی تعالی انسان، قرب الهی است و آدمی با رسیدن به آن به کمال مطلوب خود دست می‌یابد و به آرامش پایدار می‌رسد.^۲ اهمیت ایمان در آرامش زندگی تا آنجاست که قرآن کریم هر یک از زن و مرد را در سرنوشت اخروی یکدیگر مؤثر می‌داند و ایمان خالص را مایه امنیت و آرامش و هدایت انسان معرفی می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ».^۳ خداوند در این آیه ظلم را شرک و نقطه مقابل ایمان معرفی کرده است؛ زیرا اهتداء و ایمنی از ضلالت و یا عذاب را که اثر ضلالت است، بر داشتن صفت ایمان و زایل شدن صفت ظلم مترتب نموده است.^۴ درحقیقت خداوند متعال مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه دستیابی به آرامش را چنین معرفی کرده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».^۵ این آیه بندگان را تشویق کرده است که دل‌های خود را با توجه به نعمت‌ها و پاداش او تسکین دهند و آرامش بخشند.^۶ اولین اثری که ایمان در دل مؤمنین دارد، این است که پوچی و بی‌هدفی را از زندگی می‌زداید و با افسردگی و رکود مبارزه می‌کند. از طرفی نیز مقابله

۱. ویلیام جیمز، دین و روان، ص ۱۷۸.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، سجاده‌های سلوک، ج ۲، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۳. انعام: ۸۲: «(آری) آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌هاست و آن‌ها هدایت‌یافتگانند».

۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰.

۵. رعد: ۲۸: «آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۴۷.

ایمان با دنیاپرستی در زندگی مادی، موجب دوری انسان از نا آرامی در رقابت‌های تجمل‌گرایانه می‌شود.^۱ بر این اساس وقتی زوجین تحت ولایت الهی و آرامش حاصل از ایمان در کنار همدیگر قرار بگیرند، بهتر می‌توانند در مسیر آرامش‌بخشی به یکدیگر گام بردارند و زندگی زیبایی برای خود بسازند. طبق فرموده امام خمینی علیه السلام: «قلبی که در آن نور توحید و معرفت کمال مطلق تأیید باشد، دارای طمأنینه، ثبات، ثانی و قرار است... اگر قلبی در حجاب‌های خودبینی، شهوات و لذات حیوانی باشد؛ از فوت لذات حیوانی خوفناک است و طمأنینه قلب را از دست داده و در کارها با عجله و شتاب‌زدگی اقدام می‌کند».^۲

آرامشی که پایه ازدواج و تشکیل خانواده است، سرمایه‌ای برای رسیدن به رشد و تکامل انسانی است که فلسفه آفرینش ماست و خداوند متعال در آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْهِبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ...»^۳ آرامش را موجب افزایش ایمان دانسته است. بدیهی است این ایمان و طمأنینه در فضای خانواده، بر رشد و تعالی روحی فرزندان نیز مؤثر خواهد بود.

۲. افزایش محبت و عشق

محبت، آتشی است که از قلب عاشق طلوع، و آثار آن به باطن و ظاهر سرایت می‌کند.^۴ عشق به آن معنا که تمام ابعاد وجود انسان نظر به محبوب و معشوق باشد، مخصوص به خداوند متعال است و هیچ عشق و محبتی نباید در عرض محبت الهی قرار گیرد؛ اما در طول محبت به خدا، محبت به همسر و فرزندان جای دارد؛^۵ چنانکه امام حسین علیه السلام فرموده است: «به خاطر محبت رباب و سکینه، خانه‌ای را که در آن رباب و سکینه زندگی می‌کنند؛ دوست دارم». رباب نیز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نه در زیر سایه‌ای استراحت کرد و نه آب خنکی نوشید؛ زیرا محبوبش با لب تشنه و زیر آفتاب شهید شد.^۶ بر این اساس محبت عامل مهم استحکام روابط زوجین است؛ از این رو خداوند این امر را در وجود زن و شوهر نهادینه کرده است.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۶۲ و ۳۶۳.

۳. فتح: ۴: «و کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند».

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی، سر الصلاة، ص ۱۱.

۵. اصغر طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد، ص ۴۲.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

در روایتی آمده است: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همراه رزمندگان از رزمگاه برمی‌گشت. خبر به شهادت رسیدن اصحاب، زنان و فرزندان را به استقبال کشانده بود. هر کسی درباره عزیز خودش پرس‌وجو می‌کرد. زنی که به دنبال عزیزانش بود، به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و پس از عرض سلام و ادب، از وضعیت کسی سراغ گرفت. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «او چه نسبتی با شما دارد؟». زن گفت: «پدرم است». فرمود: «شهید شده است». زن با گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» شکیبایی نشان داد. سپس از برادرش پرسید، او نیز شهید شده بود. خبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و واکنش زن، همان بود که با خبر شهادت پدر داشت. آنگاه از شوهرش سراغ گرفت و زمانی که حضرت خبر شهادت شوهرش را ابلاغ کرد، زن فریادی کشید و تعجب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برانگیخت و فرمود: «مَا كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ الْمَرْأَةَ تَجِدُ بَرُوْجَهَا هَذَا كُلَّهُ حَتَّى رَأَيْتُ هَذِهِ الْمَرْأَةَ؛^۱ گمان نمی‌بردم که زن، شوهرش را تا این اندازه دوست داشته باشد تا اینکه این زن را دیدم».

۳. مسئولیت‌شناسی

ازدواج، قرارداد مقدسی میان زوجین است که حقوق و وظایفی برای آنان ایجاد می‌کند. در حقوق اسلام، انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...»^۲ بر عهده مرد است.^۳ زن نیز در مقابل، مکلف است از مرد به عنوان رئیس خانواده اطاعت کند. بهترین روش سرپرستی مرد در خانواده، این است که حاکمیت قلب افراد خانه را برعهده گیرد؛ زیرا هر گاه بر دل‌ها حکومت شود، فرمانبری حتمی است و نیازی به زور و خشونت نیست.^۴ این سرپرستی به نوعی حمایت و حفاظت را در معنای خود دارد. در امر اطاعت زن از همسر خود، زن نباید برای رشد معنوی خود همسرش را با سرپیچی و لجاجت به خشم آورد. بنا بر روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چند گروه از زنان در قیامت با حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام محشور می‌شوند و خداوند ثواب هزار شهید به آن‌ها می‌دهد؛ یکی از آن زنان، زنی است که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند:

ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَيَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۶.

۲. نساء: ۳۴: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است».

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۲۴ و ۲۵.

ص امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِي اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ؛^۱ سه طایفه از زن هایند که عذاب قبر از آن‌ها برداشته شود و با فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله محشور شوند: زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، زنی که با شوهر بد اخلاق بسازد و زنی که مهریه‌اش را ببخشد. خدای تعالی به هر یک از این سه طایفه زن‌ها ثواب یک هزار شهید می‌بخشد.

در سخن دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «هر زنی که همسر خود را اذیت و آزار کند، خداوند هیچ یک از اعمال خوب او را قبول نمی‌کند».^۲

۴. سازگاری

سازش و سازگاری نمودن در زندگی از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است. هر گاه سازش و مدارا به صورت ملکه درآید، نشان از تعالی روح دارد. یکی از توصیه‌های اخلاقی اسلام در تداوم مدارا و سازش میان همسران، پرهیز از توقعات نابجا نسبت به یکدیگر است که موجبات کدورت، نفرت در بنای عشق و صمیمیت می‌شود. بنابراین شایسته است که همسران در همه امور زندگی انتظارات و توقعات خود را کنترل کنند تا موجب استحکام خانواده شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین زنان را زنی دانسته است که با محبت و سازگار باشد: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْوَدُودُ الْوَلُودُ الْمُؤَاتِبَةُ وَ شَرُّهَا اللَّجُوجُ»^۳ بهترین زنان‌تان، زنی است که با محبت، فرزندآور و سازگار باشد و بدترین آنان، زنی است که لجباز باشد». امام علی علیه السلام نیز درباره فاطمه زهرا علیها السلام فرموده است:

وَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَ لَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ وَ لَا أَغْضَبْتَنِي وَ لَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ؛^۴ به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری - که میل نداشت - وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هر گاه که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد.

۱. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۴۱۴.

۳. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۶۳.

فهرست منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۳. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائن، چاپ اول، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.
۴. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۵. _____، ارشاد القلوب الى الصواب، چاپ اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۶. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۷. طاهرزاده، اصغر، زن آن‌گونه که باید باشد، چاپ هشتم، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۲ش.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، سجاده‌های سلوک، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۹۰ش.
۱۴. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، چاپ اول، قم: شفق، ۱۳۹۰ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از پژوهشگران، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله، سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.

۱۷. _____ شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.